

نخستین سوگنامه کربلا در شعر فارسی

دکتر محمد فولادی*

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه ادبی و سبک‌شناسی اشعار بازمانده از کسایی می‌پردازد. کسایی در توصیف طبیعت و ابداع تصاویر طبیعی نقاشی چیره‌دست بوده است. بررسی اوضاع زمان او و صور خیال بازتاب یافته در شعر کسایی از موضوع‌های دیگر مقاله است. کسایی در دوره دوم زندگی خود از شعر مدیحه پشیمان شد و به شعر اندرز و موعظه و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام روی آورد. نوشتار حاضر ضمن بررسی این موضوع، به تحلیل قصیده مسمط او، که نخستین سوگنامه کربلا در شعر فارسی است، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: کسایی مروزی، شعر فارسی، سوگنامه کربلا، مناقب اهل بیت.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی و استادیار دانشگاه قم.

مقدمه

ابوالحسن (ابواسحاق) مجدالدین کسایی مروزی از شاعران بزرگ نخستین دوره شعر فارسی و در شمار شاعران آل سبکتگین و اواخر عهد سامانی و اوایل عهد غزنوی است. مولد و خاستگاه او مرو بوده و خود به این موضوع در اشعارش اشاره کرده است:

زیبا بود از مرو بنازد به کسایی چونان که سمرقند به استاد سمرقند

ولادت او در سال ۳۴۱ ق بوده است:

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال

چهارشنبه سه روز باقی از سؤال

بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم

سرود گویم و شادی کنم به نعمت و مال

کسایی تا پنجاه سالگی (یعنی سال ۳۹۱ ق) زنده بوده؛ زیرا خود می‌گوید:

آیا کسایی پنجاه بر تو پنجه گذاشت بکند بال تو را زخم پنجه و چنگال

کسایی مدتی پس از این سال نیز زنده بوده، اما به هر روی سال دقیق

وفات او بر ما معلوم نیست. درباره علت شهرت او به «کسایی» حدس‌هایی

زده شده؛ از جمله رضا قلی خان هدایت در مجمع‌الفصحاء می‌نویسد:

«گویند سبب این تخلّص آن است که کسوت زهد دربر داشته و کلاه

فقر بر سر گذاشته». اما مرحوم صفا در تاریخ ادبیات ایران، این موضوع

را بیشتر از باب عبارت‌پردازی دانسته و احتمال داده که به دلیل انتساب

به حرفه خود یا اسلافش به این نام خوانده شده باشد. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱،

جایگاه ادبی کسایی

گرچه دیوان کسایی تا قرن ششم موجود و معروف بوده و شامل سه هزار بیت می‌شده، ولی متأسفانه از این اشعار تنها حدود سیصد بیت باقی مانده است. اما همین اشعار اندک حکایت از ذوق سرشار کسایی دارد و نشانگر استادی، مهارت و چیره‌دستی او در شعر و شاعری، به‌ویژه توصیف، می‌باشد. اشعار او بیشتر در قالب قصیده و قطعه بوده است. در این دوره بیشتر شاعران در قصیده به مدیحه می‌پرداختند و کسایی نیز در آغاز دوره شاعری مانند همگان و معاصران خود به شعر مدیحه درباریان مشغول و مشهور بوده است. وی قصایدی در مدح عیدالله بن احمد بن حسین عتبی، وزیر نوح بن منصور و نیز سلطان محمود غزنوی دارد. آثار کسایی را می‌توان حلقه پیوند میان آثار سخنوران سامانی و اشعار مدیحه دوران غزنوی به شمار آورد. از ویژگی‌های مهم شعر کسایی، توصیف طبیعت پیرامون است. او در این شیوه استادی بزرگ بود و بدین روی، «نقاش چیره‌دست طبیعت» نامیده شده است. او توانسته زیبایی‌های طبیعت را با تشبیهات دقیق، ساده، لطیف و دلنشین بیان کند و خود را در این زمینه در شعر فارسی بلندآوازه گرداند. قدرت ابداع او در تشبیهات، حسی بوده و گاه نیز به تشبیهات غیر محسوس پرداخته است. این موضوع نشان‌دهنده توجه او به ایجاد مضامین و تعابیر نو و بدیع می‌باشد. او از این حیث مبدع طرزی خاص به شمار می‌رود. هر چند او در این شیوه پیرو رودکی است، اما نوآوری‌های بسیاری نیز دارد.

ویژگی دیگر شعرهای او تنوع مضامین است که در این زمینه نیز مورد توجه می‌باشد و با ابداع مضامین و بیان معانی باریک و توصیف‌های بدیع و طبیعی، مهارت و قدرت خود را نشان داده است.

دکتر شفیع کدکنی در کتاب *صور خیال در شعر فارسی* درباره تصور آفرینی

شعر کسایی می‌نویسد: «از نظر صور خیال و انواع تصویر، به ویژه در زمینه طبیعت، شعر کسایی بهترین شعری است که از گویندگان قرن چهارم در دست داریم. غلبه دید مادی و توجه به عناصر حسی در همه تصاویر او امری است که در نخستین مطالعه شعر وی نظر خواننده را به خود جلب می‌کند. توجه به عنصر رنگ در صور خیال یکی از خصایص دیگر شعر اوست که حتی نسبت به معاصرانش برجستگی و امتیازی دارد. در شعر او نشانه‌های نوعی توجه به تصاویری که یک سوی خیال امری انتزاعی و تجربیدی باشد کم و بیش وجود دارد. اما با این همه، ساده و قابل درک در نخستین برخورد است. تصویرهای شعر او همه تصویرهای باز و گسترده است که گاه در خلال چندین بیت ارائه می‌شود. در شعر به استعاره و تشخیص کمتر توجه کرده است و تصویرهای او همه تشبیه است و تنها در یک غزل کوششی به نوعی بیان استعاری دیده می‌شود.» (شغیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۰-۴۳۳)

ابیات ذیل از اشعار اوست:

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریم‌تر نشود اندر نعیم گل

ای گل فروش گل چه فروشی به سیم گل

وزگل عزیزتر چه ستانی به سیم گل

پند و اندرز و مرثیه و منقبت اهل بیت در شعر کسایی

همان‌گونه که پیش از این گذشت، کسایی در آغاز شاعری مدیحه‌سرا و قصیده‌پرداز بود، اما بعدها از مدح درباریان و سرایش شعر مدیحه‌پشیمان شد و به موعظه و پند و اندرز و بیان اخلاق در شعر و قصیده پرداخت.

به مدحت کردن مخلوق روح خویش بخشودم

نکوهش را سزاوارم که جز مخلوق نستودم
همچنین او شعر را در خدمت منقبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مرثیه
خاندان پاک علوی، به ویژه سوگنامه شهیدان کربلا قرار می‌دهد و این از نوادر آن
عصر بوده است که قالب بیشتر قصاید مدیحه بوده و در خدمت مدح درباریان. او
توانست برای نخستین بار به شکل جدی و فراگیر و در قالب اشعار کامل در کنار
توصیفات و مدایح قبلی خود، مواعظ، حکمت و مناقب را هم در شعر فارسی به
کمال برساند. گرچه پیش از او نیز کسانی مانند رودکی گاه به پند و اندرز
پرداخته‌اند ولی به شکل فنی و فراگیر و به صورت ویژگی سبکی نبوده است. اما
کسایی توانست در این موضوع فضل تقدم و تقدم فضل را همانند جنبه توصیف
به خود اختصاص دهد و در این زمینه نیز گوی سبقت را از همگان برآید و از این
روی، افتتاح باب وعظ و اندرز و سوگنامه‌سرایی شهیدان کربلا با اوست.

فضل دیگر کسایی این است که وی شاعری شیعی مذهب بوده و این موضوع
در اشعار او کاملاً هویداست. اشعاری که در مدح علی علیه السلام و سوگ شهیدان کربلا
سروده، خود دلیلی بر این مدعاست، علاوه بر اینکه تذکره‌نویسان نیز به این
موضوع اشاره کرده‌اند.

مؤلف کتاب *النقض می‌نویسد*: «همه دیوان او مدایح و مناقب حضرت
مصطفی و آل اوست.» (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۴۳/ریاحی، ۱۳۶۷، ص ۳۳) عوفی نیز در
لباب الالباب نوشته است: «اکثر اشعار او در زهد و وعظ است و در مناقب اهل
بیت نبوت.» (ریاحی، همان)

توجه خاص کسایی به مواعظ و مناقب باعث شده که شاعر معروف شیعی
اسماعیلی حکیم ناصر خسرو، به شعر او عنایت داشته باشد و از این حیث وی

«پیشرو ناصر خسرو» می‌باشد. ناصر خسرو توانست این شیوه را به کمال برساند و به جای مدیحه درباریان، دُرّ دری فارسی را در خدمت وعظ و اندرز و تبلیغ فکری و سیاسی و مذهبی قرار دهد. خود گفته است:

من آنم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی در لفظ دری را
ناصر خسرو گرچه خود را در این شیوه برتر از کسایی می‌دانسته، اما برای او حق تقدّم قایل بوده است. از این رو، به اشعار کسایی بسیار توجه داشته و ۹ بار نام وی را در اشعار خود آورده و بسیاری از شعرهایش را نیز استقبال کرده است. مرحوم دهخدا می‌نویسد: «با اینکه ناصر خسرو خودپسندی خاصی دارد و آسان با کسی در نمی‌آید، از توجه او به کسایی پیداست، کسایی را ارجی و مقامی والا بوده است.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل «کسایی»)

موضوع شیعه بودن کسایی، به ویژه پس از تحقیقات جدید و کشف کامل ابیات «سوگنامه کربلا»، قطعی تر می‌شود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. آقای دکتر محمد امین ریاحی در مقدمه کتاب کسایی مروزی با بررسی کاملی از اوضاع و شرایط مرو در قرن چهارم به خوبی نشان می‌دهد که در آن روزگار در مرو مذهب تشیع رواج داشته و کسایی نیز از همان اوان نوجوانی با این عقیده آشنا بوده است. او می‌نویسد: «مرو یا مروشاهجان یا شاهيجان در سی فرسخی شمال شرقی سرخس و شصت فرسخی طوس و از کهن‌ترین ادوار تاریخی، شهری معروف و یکی از مراکز مهم فرهنگ ایرانی بود.»

آب فراوان رود مرو و سدّ عظیم آن در دوره هخامنشیان باعث سرسبزی دشت‌های آن شده بود و راه بازرگانی شرق و غرب، معروف به «راه ابریشم»، از دوره اشکانیان و ساسانیان از این شهر می‌گذشته است و ابومسلم خراسانی نیز قیام خود را از همین شهر آغاز کرد. در قرن سوم و چهارم با تشویقی که امیران سامانی از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی می‌کردند، شاعران بسیاری از این شهر

باستانی برخاستند؛ از جمله کسانی که شیعه دوازده امامی بوده است. در مرو از همان آغاز ورود مسلمانان، به دلایل گوناگون، تمایل به تشیع فراوان بود و شاید مأمون که محل حکومت و اقامتش مرو بود، به خاطر همین تمایلات شیعی، حضرت رضا علیه السلام را به عنوان ولیعهدی در خراسان انتخاب کرد تا از پشتیبانی مردم شیعه مرو و خراسان برخوردار شود.

کسانی با بیان مناقب و مصائب خاندان پیامبر که مورد آزار و ستم بنی امیه و بنی عباس بودند همدردی مردم ایران را با آن خاندان باز می‌گفت و نفرت عمومی را نسبت به خلفای بغداد دامن می‌زد. سامانیان نیز گرچه سنی مذهب بودند ولی مانند غزنویان تعصب مذهبی نداشتند و در همان اوان زندگی کسانی، یعنی حدود ده سالگی شاعر بود که به فرمان پادشاهان آل بویه عزاداری محرم در بغداد معمول شده بود و نخستین بار در سال ۳۵۲ ق معزالدوله دیلمی دستور عزاداری عاشورا را داد و این روز را تعطیل اعلام کرد. (ریاحی، ۱۳۶۷، به نقل از: یافعی) و طبعاً خبر مراسم بغداد به خراسان هم رسیده بود و کسانی نیز بعدها تحت همین شرایط به سرودن سوگنامه کربلا و مناقب علوی پرداخت.

مدایح کسانی درباره حضرت علی علیه السلام

کسانی اشعاری را در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام سروده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر

بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد

جز شیر خداوند جهان، حیدر کزار

این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر

چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

همچنین قصیده «فضل امیرالمؤمنین» از اشعار اوست که با این مطلع آغاز

می‌شود:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر، شیر یزدان مرتضای پاک‌دین

مقطع زیر نیز از اوست:

ای کسایی هیچ مندیش از نواصب وز عدو

تا چنین گویی مناقب، دل چرا داری حزین

(ریاحی، ۱۳۶۷، ص ۸۶ و ۹۳-۹۶)

قصیده مسقط سوگنامه کربلا

این قصیده مسقط در آغاز به شکل کامل در دست نبود و تنها ۲۰ بیت آغازیه و بهاریه آن را رضا قلی خان هدایت در مجمع‌الفصحاء آورده بود، ولی بعدها با تحقیقات گسترده، به ویژه از سوی دکتر محمد امین ریاحی، نسخه کامل آن (شامل ۵۰ بیت) یافت شد که هم از حیث سبک شعری و هم از حیث نسخه مورد تأیید است و در بیت چهل و هشتم آن نیز تخلص شعری «کسایی» وجود دارد: بر مقتل ای کسایی برهان همی نمایی

گر هم بر این بیایی، بی خار گشت خرما

آقای دکتر محمد امین ریاحی این نسخه کامل را در جنگ اشعاری به نام تتمه

تذکره خلاصه الاشعار از تقی کاشی آورده است. در خود تذکره که در سال‌های

۹۷۵-۱۰۱۶ تألیف شده و در کتابخانه بانکی پور پتنه به شماره ۶۸۴ نگهداری

می شود، ۶۵ بیت از اشعار کسایی، از جمله قصیده ۵۰ بیتی سوگنامه کربلا، آمده. این سوگنامه، نخستین سوگنامه مذهبی در شعر فارسی به شمار می آید که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. (ریاحی، ۱۳۶۷، ص ۱۱)

قصیده مسمط «سوگنامه کربلا»، طبق ساختار قصیده، که به یکی از شیوه‌های تغزل، تشبیب، نسیب و یا توصیف (توصیف طبیعت و بهار و زیبایی‌های آن) شروع می شود، با توصیف طبیعت زیبای بهاری آغاز می گردد.

کسایی با انتخاب مسمط در قصیده و آوردن قافیه‌های درونی، به موسیقی کلام افزوده است و با کلمات مسجع و متجانس داخلی در شعر باعث جذابیت سخن گردیده است. آرایه‌هایی مانند مراعات النظیر، تقابل، تضاد، طباق و واج آرایبی از ویژگی‌های دیگر این سوگنامه است که همه در خدمت سوگ سروده و تأثیرگذاری بیشتر شعر قرار گرفته‌اند.

کسایی در آغاز شعر، آنچنان که رسم قصیده است، با توصیف سخن را می‌آغازد؛ بهاری که تازه فرارسیده و پیک خوش‌خبر صبا که نوید شکفتن گل‌ها و ریاحین و سرسبزی و شادمانی را می‌دهد و صحرا و راغ و باغ را آراسته و با گل‌های لطیف و رنگارنگ خود، آن را مانند فرشی از دیبا و حریر کرده است.

قصیده با این اشعار آغاز می‌شود:

باد صبا درآمد، فردوس گشت صحرا

آراست بوستان را نیسان به فرش دیبا

آمد نسیم سنبل با مشک و با قرنفل

آورد نامه گل باد صبا به صها

کسایی، که نگارگر چیره‌دست طبیعت شناخته می‌شود، در ادامه به خوبی طبیعتی دوست داشتنی را توصیف می‌کند:

قمری به یاسمن بر، ساری به نسترن بر
نارو به نارون بر، برداشتند غوغا
گلزار بسا تأسف خندید بی تکلف
چون پیش تخت یوسف رخساره زلیخا
گلشن چو روی لیلی یا چون بهشت مولی
چون طلعت تجلی بر کوه طور سینا
سرخ و سیه شقایق هم ضد و هم موافق
چون مؤمن و منافق پنهان و آشکارا
یاقوت وار لاله، بر بزرگ لاله ژاله
کرده بدو حواله غواص در دریا
او همگان را برمی‌انگیزاند که خانه و کاشانه را رها کنند و به دامن دشت و
دمن و سبزه‌زار و گلزار بروند:
عالم بهشت گشته، عنبر سرشت گشته
کاشانه زشت گشته، صحرا چو روی حورا
کسایی همه این زیبایی‌ها را بیان کرده تا بگوید علی‌رغم دلپسندی باغ و راغ،
به هیچ وجه نمی‌خواهد از کاشانه بیرون رود و به تماشای سرسبزی طبیعت
بپردازد:
ای سبزه خجسته، از دست برف جسته
آراسته نشسته چون صورت مهنا
هم ننگرم سوی تو هم نگذرم سوی تو
دل ناورم سوی تو اینک چک تبراً

وی بدین وسیله سند بیزاری خود را از این طبیعت دلپسند اعلام می‌دارد. به راستی چرا کسایی که خود همگان را به رفتن به دامن طبیعت ترغیب می‌کند، نمی‌خواهد حتی به آن نگاه افکند و بر آن دل ببندد؟

او خود پاسخ این پرسش را می‌دهد: امسال بهار طبیعت با محرم الحرام و شهادت شهیدان کربلا، امام حسین علیه السلام و یاران و خاندانش و اسارت حضرت زینب علیها السلام و کشته شدن جوانان و نونهالان و کودکان حضرت، همراه و همزمان شده است. از این رو، کسایی به عنوان یک مسلمان و شیعه معتقد نمی‌تواند مانند سالیان گذشته به دامن صحرا و تماشای بهار برود و باید در خانه و کاشانه بنشیند و زانوی غم در بغل بگیرد و مدح و غزل نگوید و مقتل کند تقاضا:

دست از جهان بشویم، عزّ و شرف نجویم

مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا

در ادامه، به برخی از بیت‌های این قصیده مسمّط اشاره می‌کنیم و علاقه‌مندان

را به اشعار کسایی ارجاع می‌دهیم. (ریاحی، ۱۳۶۷، ص ۶۹-۷۶)

کاین مشکبوی عالم وین نوبهار خرّم

بر ما چنان شد از غم چون گور تنگ و تنها

ببیزارم از پیاله وز ارغوان و لاله

ما و خروش و ناله، کنجی گرفته مأوا

دست از جهان بشویم عزّ و شرف نجویم

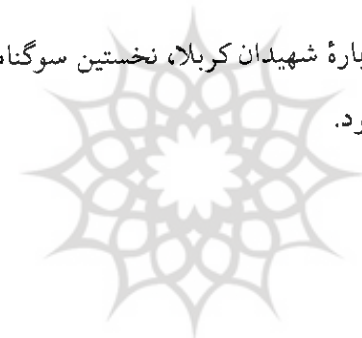
مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا

میراث مصطفی را فرزند مرتضی را
مقتول کربلا را تازه کنم توّلّا
آن میر سر بریده در خاک خوابیده
از آب ناچشیده گشته اسیر غوغا
بی شرم شمر کافر، ملعون سنان ابتر
لشکرزده بر او بر، چون حاجیان بطحا
آن پنج ماهه کودک، باری چه کرد و یحک
کز پای تا به تارک مجروح می شد مفاجا
بیچاره شهریانو مصقول کرده زانو
بیجاده گشته لؤلؤ بر درد ناشکیبا
آن زینب غریوان اندر میان دیوان
آل‌زینب و مروان نظّاره گشته عمدا
بر مقتل ای کسای برهان همی نمایی
گر هم بر این بیایی بی خارگشت خرما
مؤمن درم پذیرد تا شمع دین بمیرد
ترسا به زر بگیرد سمّ خرمسیحا
تا زنده‌ای چنین کن دل‌های ما حزین کن
پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا
و به این شیوایی، نخستین سوگنامه منظوم در شعر فارسی به وسیله کسای
سروده شد. خداوند او را با خاندان عترت و شهیدان کربلا محشور نماید.

نتیجه

کسایی در توصیف طبیعت نقاش چیره‌دستی بوده و توانسته در شعر با استفاده از انواع تشبیه، صور خیال زیبایی را ابداع کند. او در آغاز شاعری، مانند معاصران خود به قصیده، آن هم از نوع مدیحه درباریان، مشغول بود، اما بعدها پشیمان شد و شعر را در خدمت مضامین حکمی و موعظه و منقبت قرار داد و از این جهت مقدمه ظهور شاعرانی مانند حکیم ناصر خسرو شناخته می‌شود. اشعار منقبت و اوضاع زمانه و شرایط مرو در آن زمان و مطالب تذکره‌ها دال بر شیعه دوازده امامی بودن اوست.

سوگنامه کسایی درباره شهیدان کربلا، نخستین سوگنامه منظوم در ادبیات فارسی محسوب می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابو معین، ناصر خسرو قبادیانی، *دیوان اشعار*، ۱۳۶۸، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، ج سوم.
۲. برتلس، یوگنی، ادواردو، *تاریخ ادبیات فارسی*، ۱۳۷۴، ترجمه سیروس ایزدی، بی جا، هیرمند.
۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، بی تا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم، دوره جدید.
۴. ریاحی، محمد امین، *کسای مروزی (زندگی، اندیشه و شعر)*، ۱۳۶۷، تهران، توس.
۵. زرین کوب، عبدالحسین، *سیری در شعر فارسی*، ۱۳۷۱، تهران، علمی، ج سوم.
۶. صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، ۱۳۷۱، تهران، فردوس، ج دوازدهم.
۷. محبوب، محمدجعفر، *سبک خراسانی در شعر فارسی*، بی تا، تهران، فردوس و جامی.
۸. معین، محمد، *فرهنگ معین*، بی تا، بی جا، بی نا.
۹. نظامی عروضی سمرقندی، *چهار مقاله (مجمع التوادر)*، ۱۳۷۲، به تصحیح علامه فزونی و شرح دکتر محمد معین، تهران، جامی.
۱۰. همایی، جلال‌الدین، *تاریخ مختصر ادبیات ایران*، ۱۳۷۳، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، هما.
۱۱. یاحقی، محمدجعفر، *نام‌آوران خراسان*، ۱۳۸۲، مشهد، آستان قدس رضوی.